

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز چهارشنبه ۷ دی ماه ۱۳۱۱ \* ( ۲۹ شعبان ۱۳۵۱ )

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مرخصی
- ۳) تصویب لایحه ترتیب تصفیه مدیونین بانک
- ۴) شور و تصویب لایحه واگذاری اراضی خاصه ایلات شاهسون
- ۵) تصویب لایحه اصلاحی قسمتی از بودجه موسسه انحصار دولتی دخانیات
- ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت قبل از ظهر بریست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه چهارم دیماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

دبیا - لایحه که در جلسه گذشته مربوط بابلات شاهسون از طرف وزارت مالیه تقدیم مجلس شد چون تقاضای فوریت هم شده و بمقیده بنده لایحه خیلی خیلی خوب و مفیدی است و تسریع در تصویب آن خیلی خیلی لازم است این است که بنده تقاضا دارم در اول دستور واقع شود پیشنهادی هم تقدیم داشته ام

رئیس - آقای طباطبائی دبیا .  
 طباطبائی دبیا - در دستور عرض دارم .  
 رئیس - آقای افسر .  
 افسر - در صورت مجلس نوشته شده بود راجع بجریمه در نقاطی که ترقی فاحش کرده عرض بنده نازل فاحش بود اصلاح شود .  
 رئیس - بلی . اصلاح میشود . در صورت مجلس نظر دیگری نیست ( اظهاری نشد ) صورت مجلس تصویب شد آقای دبیا .

[ ۲ - تصویب دو فقره مرخصی ]  
 رئیس - قبل از اینکه وارد دستور شویم دو فقره خبر از طرف کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود .

\* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و دومین جلسه از دوره هشتم تقنینیه ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )  
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :  
 غائبین با اجازه - آقایان : اشتیانی - طباطبائی و گیلی - وکیل - بنکدار - موقر - آقا زاده سزواری  
 غائبین بی اجازه - آقایان : تیمورتاش - انشار - اکبر - بیات - محیط - چایچی - حسنعلی - رزادولشاهی - صفاری - دبیا - بیات ماکو -  
 همراز - قراقرلو - حکمت - نوام - حاج غلامحسین ملک  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : حاج میرزا حسین خان فاطمی - پوشهری - افیمی - اسدی .

خبر مرخصی آقای حاج محمد رضا بهبهانی.

نماینده محترم حاج محمد رضا بهبهانی برای رسیدگی بامور محلی تقاضای دوام مرخصی از تاریخ اول آبان ماه ۱۳۱۱ نموده و کلیه مقرری این مدت را هم نصف بمصرف سوخت زمستانی فقرا و نصف بجهت صرفه جوئی مجلس مقدس اختصاص داده که بوسیله کمیسیون عرایض و مرخصی سهم فقرا تقسیم خواهد شد. کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

**رئیس** - ظاهراً اشکالی ندارد. موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد خبر مرخصی دیگر.

**خبر مرخصی آقای بیات ماکو:**

نماینده محترم آقای بیات ماکو برای رسیدگی بامور محلی تقاضای یک ماه تمدید مرخصی از تاریخ دوم آذرماه ۱۳۱۱ نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق و اینک خبر آنرا تقدیم میدارد.

**رئیس** - یادداشتی به بنده داده اند که آقای بیات ماکو هم خوبست با این احسانی که در مجلس شده است موافقت بفرمایند (صحیح است) موافقت می فرمایید؟

**بیات ماکو - بی**

**رئیس** - چه مقداری؟

**بیات ماکو** - بسته برای مبارک است.

**رئیس** - شما مالکید.

**بیات ماکو** - عشر.

یکی از نمایندگان - دو عشر (صحیح است)

**رئیس** - دو عشر یا یک عشر؟

**بیات ماکو** - دو عشر (صحیح است - احسنت)

**رئیس** - دو عشرش را ایشان تخصیص دادند باین کار

که با تصویب کمیسیون عرایض و مرخصی بمصرف فقرا برسد آقایان موافقین باین خبر قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد.

**۳- تصویب لایحه ترتیب تصفیه مدیونین بانک**

**رئیس** - آقای وزیر مالیه هم آقای دیبا با شما توافق نظر دارند و عقیده شان این است که امروز لواصیحی که

چاپ شده یعنی این جانب تعهد می کنم که فلان ترتیب و فلان ترتیب و فلان فرع را رعایت کنم این در پشت آن ورقه چاپ شده است اینها آنوقت اگر مطابق قواعد عمومی است که آن قرارداد خاصی ندارد و همان فرع عمومی را باید بدهد ولی اگر قرارداد خصوصی دارند مثلاً فرض بفرمائید فرع بانک صدی دوازده بوده است اما بایک کسی مخصوصاً قرارداد گذاشته اند و در آن تصریح کرده اند که صدی نه بگیرند البته این جا مطابق قرارداد خاص رفتار می شود و این را نمی شود گفت ترتیب عمومی مقرر داشت اما اگر قرارداد خاصی نداشته باشد تابع ترتیبات و قواعد عمومی است. منظور این بوده است

**رئیس** - آقای افسر فرمایشی دارید؟

**افسر** - البته این توضیحی که فرمودند مشکل بنده را حل کرد اما عبارت خیلی نارسا است و باید تصریح شود که اگر قرارداد مخصوصی نداشته باشند مطابق قواعد عمومی بانک رفتار می شود.

**وزیر مالیه** - کور با حضرت عالی توجه بلا بجهت نفرمودید

ما نوشته ایم بر ترتیب معمول بانک

**افسر** - خیلی خوب بنده عرضی ندارم

**رئیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - عرض کنم اینکه فرمودند اگر مطابق نرخ و معمول بانک بخواهند حساب کنند که در جلسه که مطرح بود بنده عرض کردم نرخ معمولی بانک فرع اندر فرع است که غالباً با اشخاص حساب می کنند و این با قانون مملکتی مغایرت دارد ما آنوقت باید در یک جای بخصوص این را رسمیت بدهیم و بگوئیم در موضوع حساب بانک این موضوع فعلاً مطابق فرع معمولی بانک از مردم بگیرند و عرض کردم اشخاصی هم هستند که در نتیجه دادوستد جنس مفروض شده اند و بنده خواستم توضیحی بفرمایند تا معلوم شود که آنها دیگر فرعی نداشته باشند چون اینها قرارداد فرعی نداشته اند در جنس هم البته معامله فرق می کند تا وقتی که معامله صرفی باشد مثلاً بنده الان عرض می کنم در بازار اشخاصی هستند که صرفی می کنند و از تجار جنس را بوعده می خرند و تجاری هم

هستند که جنس می فروشند بوعده و از وعدشان هم يك قدری میگذرد (کازرونی - خیلی هم میگذرد) بلی اینها دیگر تنزیل نمی گیرند چرا؟ چون در حین آن معامله نفعی که لازم است برده اند حالا خواستم بدانم آیا این نوع محاسبات چه خواهد شد و این را هم مطابق معمول بانک اگر بخواهند حساب کنند چون معمول بانک فرع اندر فرع است که شش ماه را هم حساب میکنند و ضمیمه می کنند به سرمایه و این با قانون عمومی مملکتی مغایرت دارد و هیچ خوب نیست که تمام مدت را فرع اندر فرع حساب کنند و بنده گمان نمی کنم که نظر خودشان هم فرع اندر فرع باشد ولی اگر این ماده باین ترتیب بگذرد که مطابق معمول بانک اینجا فرع اندر فرع میشود و بنده گمان می کنم خوب نیست و باین ترتیب فرع اندر فرع رسمی میشود و بنده تصور می کنم که این مخالف باینست خودشان هم باشد این بود که عرایضی هم کردم.

**وزیر مالیه** - منظور عمده این بوده است که بانک بطور سهل و ساده هر طلبی از مردم دارد وصول کند و طلب بانک عبارت است از آنچه که در دفاترش نوشته شده است در دفاترش که دروغ نوشته ما بانکهای دیگری هم داریم باینکه حساب دارند بعد از دو سه سال میگویند صوری حساب را بفرست به بینیم چقدر است و البته وقتیکه صورت فرستادند باید بپیر دازند و بانک هم مطابق معمولش صورت میفرستد و هیچ دلیلی ندارد که نپیر دازند حالا اینجا میفرمایند که مردم باهم دعاری دارند و اینها فرع اندر فرع نمیگیرند این دلیل نمیشود آقا که بانک يك ترتیب داشته و حساب میکرده است و هر کسی هم عالماً عامداً با بانک معامله می کرده بانک بگوید فرع را بدهید بگوئیم ندهند و بانک نگردد آخر بانک شش ماه به شش ماه سال حساب میداده و باید داد. آقایان خوب است توجه بفرمایند که اگر يك وقت می گفتیم از آن روزی که آن طلب بانک ایجاد شده است تا حالا فرع بدهند البته اینجا جای ارفاق بود جای يك تخفیفی بود ولی این طور نیست اولاً يك تخفیف در يك جایش داده اند قریب چندین سال



ده سال شاید هیچ چیز نمی خواهند نه فرع نه فرع اندر فرع در صورتیکه در واقع و نفس الامر اگر بخواهید هیچ تعطیل هم نبوده است هیچوقت برای اینکه بانک اداره اش مرتب بوده و نشسته بودند و دولت هم بانک را واگذار کرده بود بیک نفر آمریکائی و بعد بمرحوم ممتاز الملك و هرکس هم می توانست برود طلبش یعنی طلب بانک را بدهد و از بدهکاری خلاص شود و حتی تنها موردی هم که برای آدم بهانه پیش بیاید نبود اصلاً. بلی اگر اصلاً بانک بهم خورده بود و دفاترش را هم لاک و مهر کرده بودند که بگویند بانکی نبود که بدهیم یک چیزی ولی این ترتیب که اصلاً پیش نیامده بود معذالک آمده اند و گفته اند که یک چند سالی هیچ نمیگیرند و آن چندسال دیگر را هم مطابق معمول بانک میگیرند اما در موضوع جنس و اینها آن روز هم عرض کردم که اطلاع مخصوصی ندارم نمی دانم اشخاصی باشند باین ترتیب که شما فرمودید در دفتر بانک حالا اسمشان ثبت باشد یا نباشد که اینطور معامله داشته باشند ولی البته میدانید که هر جور معمول مملکت است تصور میکنم باید همانطور رفتار کنند و غیر از این ترتیب هم تصور نمی کنم طور دیگری بشود.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - عرض کنم بنده فقط راجع بهمان قضیه معمول بانک که میفرمایند خواستم عرض کنم. آقای وزیر مالیه میفرمایند که این قضیه چاپ شده است و اشخاصی هم که با بانک معامله کرده اند و طرف بوده اند تماماً عامداً و دانسته این معامله را کرده اند. بنده هم تصدیق دارم بلی بانک یک قانونی دارد راجع بترتیب پول دادن و گرفتن و ترتیب فرع ولی یک قانونی هم هست که در قبل از اینکه بانک بدولت ایران هم منتقل شود اگر راجع بیک حساب و معامله بانک در مقام محاکمه با یک کسی برمی آمد وزارت خارجه هم هیچوقت حکم صادر نمیکرد که فرع اندر فرع بدهند و حساب کنند. حکم را که وزارت خارجه صادر می کرد ولو که بر له بانک بوده همیشه یک سره فرع را حساب میکرد و هیچوقت وزارت خارجه

یک کسی پولش مانده چرا فرع اندر فرع بدهد و باین زحمات مبتلی بشوند مردم عرض میکنم ممکن نبود میتواند این اختیار باخودش بود میتواند تکذبات پول بانک بماند. اما اینطور که وحشت میفرمایید هم نیست در حساب اینطور ها هم نمی شود ملاحظه میفرمایید یک کسی اگر دو سال یا سه سال قبل از این که بانک بهم بخورد صد تومان قرض داشت این صد تومان دوازده تومان فرع داشت بعد هم فرع اندر فرع بخواهیم حساب کنیم سه سالش میشود ۳۶ تومان خوب ۳۶ تومان فرع سالیانه اش چه میشود یک هفت هشت تومان. پنج تومان بیشتر نمیشود مال فرع اندر فرع. اما اگر هیچ فرع اندر فرع ندهند و یک سره امروز بدهند خوب آنوقت میشود از صد تومان صد و بیست تومان اگر همه فرع شود و حساب کنند. اینجا عرض کردم یک گذشتی هم میکنند برای ده دوازده سال که اصلاً هیچ فرع ازش نمی گیرند که اگر تا آبر ۱۳۱۲ تصفیه نمایند از تاریخ تعطیل بانک تا زمان تأدیه فرع دیگر از آنها مطالبه نخواهد شد و اگر نپردازند از تاریخ ابلاغ اظهار نامه و با اقامه دعوی در محاکمه عدلیه یا دیوان محاکمات مالیه تا تاریخ صدور حکم بفرع مقرر یا مطابق قرار داد خصوصی که داشته اند باید بپردازند و این البته تقصیر با خودش بوده است چون بعد از اظهار نامه که میتواند برود و تصفیه کند چون نرفته خسارت تأخیر تأدیه بمعنای حقیقی بهش وارد میشود. در هر صورت کسانیکه قبل از بهم خوردن بانک از بیست سال قبل از آن که قرض نکرده اند این قرضها مربوط بدو سه سال قبل آخری است و اینها همچو چیز سنگینی نمیشود در مقابل این ارفاق ارفاقی باضعاف مضاعف شده است بیش از آنچه که ازش گرفته میشود. بعلاوه بنده می خواهم عرض کنم اصلاً آقایانیکه بیانک مقروضند بروند و تصفیه کنند با بانک مهلتی هم در این جا گذاشته شده است بنده از خارج اطلاع دارم یعنی خود اداره بانک هم همیشه اظهار کرده است که حاضر است با هر نوع مدارا و ملامت تصفیه کند و ترتیبی بدهد برای اینکار. اینجا هم ملاحظه

میفرمایید نوشته شده است ترتیبی با بانک بدهد. مخصوصاً یک کسی را خود اداره بانک صحبت میکرد که مشترکاً یک ورثه مقروض بودند بیانک و بر علیه آنها اقامه دعوی شد یکی از آنها گفتند که من نمی خواهم با بانک دعوی کنم و طرف بشوم و اصل پول را برد و داد و فرع معمولی را هم نداد فرع اندر فرع را هم نداد گفتند که چون از روی نجات و درستی و صداقت پیش آمده است فرع را ازش نکرده اند. شما هم مطابق این قانون مجبور نمیکنید که بگیرند مخصوصاً طوری است که نوشته شده که بتقاضای بانک یعنی میتواند گذشت کند در اینصورت چند ماه باقی است که هر کسی می تواند برود با بانک ترتیبی بدهد و تصفیه کند و بنده شخصاً امیدوارم که آلهائی که واقفاً صادقانه بخواهند و بروند و تصفیه کنند همه نوع مدارا و ملامت با آنها میشود ولی اگر یک کسی نه در آن موقعی که بانک استقراضی دائر بوده است نه در دوره انتقال داده است نه در حالا وقتی که اظهار نامه داده شده است میدهد بمحاکمه هم که میرود برای بانک یک مقداری خرج دارد و برای طرفین مخارج ایجاد میکند و برای خودش و بانک تولید خرج و زحمت میکند بعد از همه این زحمات آخرش وقتی که میگیرند البته مطابق وقتی که بانک استقراضی بود بترتیب معمول بانک فرع خواهد داد.

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است مقام ریاست مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم که تاریخ تعطیل بانک استقراضی سابق ۲۲ اسفند ۱۲۹۸ که یکسال قبل از واگذاری بدولت است قرار داده شود

شریعت زاده - چون در کمیسیون قوانین عدلیه هم در این باب مذاکره شد و پیشنهادات هم همین بوده است که تا تاریخ تعطیل اگر تغییر نمیکرد و تاریخ ممکن بود در آینه اختلافات و مشکلاتی راجع به تعیین آن بشود باین جهت بنده لازم دانستم تاریخی برای تعطیل معین بشود و این تاریخی که معین شد تقریباً تاریخی است که پرداختهای که لازم بوده است بعمل بیاید بواسطه اختلال امور بعمل نیامده باین جهت تاریخ تعطیل را بنده معین کردم حالا



اگر آقای وزیر مالیه موافقت بفرمایند تاریخ در ماده نوشته شود

**وزیر مالیه** - بنده موافقت دارم و دلیلش را هم عرض میکنم که می شد همین را گذاشت تاریخ انتقال بدولت چنانچه در لوایح اولی بود ولی اینطور خواسته شد که يك ارفاق بیشتری هم بشود که انتقال بشود و قبل از آن هم بود در کمیسیون گذاشته شد تاریخ تعطیل ولی هرچه دقت شد و مطالعه شد تعطیلی در کار نبوده است که يك تاریخ معینی بشود برای آن فرض کرد و در واقع هیچ نبوده آنوقت می شد تاریخ انتقال ولی همین طور که آقای شریعت زاده فرمودند اوایل که کار میکردند و کارشان معلوم نبود که ترتیبش عوض می شود و عهدنامه بسته می شود و منتقل بدولت می شود و اوایل البته پرداخت هایشان را کرده بودند و مشغول گرفتن طلبشان بودند و هیچ تعطیل نبوده است بنا بر این بنده قبول میکنم این پیشنهاد را

**رئیس** - نظر آقای مخبر؟

**(مؤید احمدی) مخبر** - دیروز در کمیسیون همین موضوع مطرح شد که تاریخ تعطیل ممکن است اسباب اشکال شود چون تعطیل ممکن است متدرجاً در ولایات واقع شده باشد این بود که با تلفون با آقای وزیر مالیه مذاکره کردیم که تاریخ را معین بفرمایند و تاریخ را معین کردند و چون حالا آقای شریعت زاده پیشنهاد کردند و یکسال هم ارفاق است بنده هم از طرف کمیسیون قبول میکنم **رئیس** - اگر نظر آقای معطوف باین است که درست یکسال باشد تاریخ تعطیل ۱۲ اسفند می شود

**شریعت زاده** - بنده هم موافقت میکنم ۱۲ اسفند باشد

**رئیس** - آقای همراز نظر تان تأمین شد؟

**همراز** - بله

**پیشنهاد آقای طهرانچی**

پیشنهاد میکنم بجای فرع معمولی بانک استقراضی سابق با فرع صدی ده نوشته شود

**طهرانچی** - عرض میکنم که در وهله اول بنده میخواستم عرض کنم که بنده نمیدانم فرع معمولی بانک

و اگر نکند يك وقت يك روزی طلبکار می رود سرش و اسباب زحمتش می شود می بیند خیلی بیشتر باید بدهد بنا بر این این گونه کارها يك روزی باید تمام شود و تصفیه شود

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بایشکه آقای وزیر مالیه مشروحاً بیان فرمودند معیناً بنده لازم دانستم تذکر بدهم در جواب آقای طهرانچی سابقاً هم هم همان طور که فرمودند راجع به تأخیر تأدیه قانونی نبود لیکن در سوم تیر ۱۳۰۹ قانونی گذشت و خسارت تأخیر تأدیه صدی دوازده در قوانین ما معین شده است و امروز هم در مملکت ما مجری است در عدلیه هم حکم میدهند اما دولت چه کرده ارفاق کرده گفته است اگر اشخاص تا تیر ۱۳۱۲ بدهیشان را پرداختند هیچ ندهند همان صدی دوازده را ندهند آمدیم سر قبل. قبل هم باز در همان قوانینی که در سوم تیر ۱۳۰۹ وضع شده است و در همانوقت وضع قانون این در نظر مقنن بود که شاید يك کسی يك قراردادی داشته باشد کمتر از این ما مجبور شد میکنیم که مطابق صدی دوازده فرع بدهد این است که مذکوری شده است در ماده ۳۶ قانون تسریع محاکمات ماده ۲۳۰ قانون مدنی ماده قانون مدنی معین کرده است که اگر قرارداد بین متعاملین هست باید مطابق همان رفتار کنند حالا دولت هم همین را در نظر گرفته است که اگر قرارداد صدی دوازده است که آن را بدهد اگر هم نیست صدی دوازده بدهند بعد هم اگر پرداخت اصلاً فرع را ندهد این است که بنده لازم دانستم چون فرمودند که قانونی برای تأخیر تأدیه نیست برای تأدیه خسارت خواستیم ایشان را متذکر کنم که هست

**رئیس** - رای میگیریم به پیشنهاد آقای طهرانچی

موافقین قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

**رئیس** - تصویب نشد رای میگیریم به ماده اول با

افزایش پیشنهاد آقای شریعت زاده که آقای وزیر مالیه

استفاده می برده و دادستد میکرده اما دیگر بعد از تعطیل که فایده نمی برده دیگر چرا بدهد ما هم نوشته ایم ندهد این عین منظور ایشان است اینجا اگر نوشته بود که بعد از تعطیل تاده سال دیگر هم باید بدهد این استدلال درست بود که بعد از تعطیل دیگر چرا بدهد اما راجع به اصل مطلب حالا اگر در مملکت قانونی نیست و در معاملات فرع اندر فرع هم میگیرند این را اصل منطقی را بنده نمیدانم که برای چه ما تصدیق بکنیم اگر بخواهیم تصدیق کنیم خوب فرع را هیچ نباید تصدیق کرد یعنی اگر بخواهید که بانک اصلاً در مملکت نباشد می شود تصدیق کرد و الا چنانچه ما يك قانونی هم بگذاریم که محاسبه بانک فرع اندر فرع نیست بانک فردا می بندد بانک وجود نمیتواند داشته باشد در تمام بانکهای روی زمین بانکهای عالم رسمشان این است که با کسی که حساب دارند فرع می بندند و میگیرند حالا مایک کاری کنیم که این ترتیب جاری نباشد این ترتیب جاری است در تمام دنیا حالا ما چکار داریم که کاری کنیم که حتماً این کار نشود شاید هم مقتضی بشود که يك قانونی بعد درست شود که همین چیزی که فعلاً معمول بانکهاست قانونی کنند و جاری کنند حالا اگر تا بحال نشده است جهات دیگری داشته است بیشتر در این مملکت در دعاوی و مراعات نظر این بود که فلان تاجر یا فلان ملاک که با هم بودند نمیخواستند صحیح است که جنس میفروشد و نباید فرع بدهد و این را بنده مشروحاً عرض کردم و وقتی هم که روی هم حساب کنید در مقابل ده دوازده سال صرف نظر از هر گونه فرعی نه فرع اندر فرع و نه فرع اهمیت در مقابل این ندارد و بهترین کارها این است که بروند و کارشان را تمام کنند و اصلاً این کار تمام شود بهتر ترتیب که باشد باید تمام شود و تصفیه شود و الا همینطور دولت طلبکار است این هم به تجربه رسیده است که یکوقتی يك کسی از کسی طلب دارد هیچ نمیگوید او خیال میکند که نمیگوید او دلش خوش است که نمیگوید ولی اگر آدم مراقب باشد همان شخص را هم که نمیگوید حسابش را ببرد بدهد

چه است تحقیق هم کردم باز توانستم که انا بهمم البته نظر بنده این نیست که از فرع معمولی بانک اضافه شود همانطور که عرض کردم البته بنده خوب میدانم که نظر شخصی آقای وزیر محترم مالیه این نیست که مردم را در مضیقه بگذارند و يك چیزی برخلاف معمول از آنها بگیرند حتی می توانم عرض کنم که نشان این است که ارفاق بیشتری کرده باشند و میخواستم عرض کنم يك فرع اندر فرعی در بانکها هست حالا اگر يك قرارهائی گذاشته باشند بنده تصدیق می کنم صحیح است ولی در يك جریانی بود که از آن بانک هم استفاده و منافع می بردند دادوستد میکردند ولی يك ترتیبی شد که بانک تعطیل شد و بعد هم دیگر چون در حین عمل وقتی که بنده میروم قرار میگذارم فرع اندر فرع يك جریانی دارد حالا يك مؤسسه که بنده نمی خواهم عرض کنم که تعطیل بوده خیر يك وقته درش پیدا شده و مردم توانستند ازش استفاده کنند و داد و ستدش موقوف شده اگر فرع اندر فرع بخواهند بگیرند این حقیقتاً انصاف نیست و بنده اساساً مصلحت نمیدانم که يك همچو چیزی از مجلس شورای ملی بگذرد که فرع معمولی بانک که فرع اندر فرع است مانصوب کنیم و بنده این را مضر میدانم و شخصاً نه مقروضم و نه کسان بنده مقروضند و نه هیچگونه حسابی با بانک استقراضی داشته ام و نه دارم و نه خواهم داشت ولی عرض کردم البته فرض بفرمائید بین بانک و يك تاجری در خصوص داد و ستدش اختلافی پیش می آید و بعد هم بمحاکمات مراجعه می کنند در محاکمات رسمی عدلیه خوب محاکمات هم مطابق دفتر می بند فرع اندر فرع نوشته شده است و این را بنده اساساً خوب نمی دانم و وقتی هم که فرع صدی ده را حساب میفرمائید يك فرع حسابی است و اشخاص هم قدرت دارند پردازند و بنده عقیده ام این است که منظور خودشان هم منصفانه اجرا شده و استدعا میکنم این را قبول بفرمایند

**وزیر مالیه** - آقای طهرانچی استدلالاتی که فرمودند درست

استدلال بهمان چیزی است که قانون هم همان طور نوشته شده برای اینکه مادامیکه بانک بوده اگر کسی هم فرع اندر فرع میداده یا نمیداده بانک بوده و



و مخبر هم قبول کردند آقایانیکه موافقت قیام فرمایند  
(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود.

ماده دوم - هر يك از مدیونین بانک ایران و قایم مقام آنها که بدهی خود را بترتیب مذکور در ماده فوق تا اول تیرماه ۱۳۱۲ با بانک ایران تصفیه و تادیه نمایند از تاریخ تعطیل بانک استقراضی سابق تا زمان تادیه فرع دیگری از آنها مطالبه نخواهد شد.

هر يك از مدیونین بانک ایران و قایم مقام آنها که تا اول تیرماه ۱۳۱۲ بدهی خود را اصلاً و فرعاً بطوریکه در ماده فوق مقرر است نپردازند از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و در صورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم عدلیه یا محاکمات مالیه تا تاریخ صدور حکم بفرع مقرر در قرار داد و اگر قرارداد مخصوصی راجع بفرع نبوده بفرع معمولی بانک محکوم خواهند شد.

**تبصره ۱** - هر يك از بده کاران بانک ایران که تا ده روز پس از ابلاغ حکم بدهی خود را اصلاً فرعاً نپردازد و یا با موافقت بانک قراردادی راجع بپرداخت منعقد ننماید از تاریخ صدور حکم تا روز تادیه فرع از قرار صدی دوازده محکوم به تعاق خواهد گرفت.

**تبصره ۲** - مقصود از مدیونین مذکور در مواد فوق اعم از ضامن و مضمون عنه و هر يك از امضا کنندگان دیگر اسناد بانک است.

**رئیس** - باز لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم که در خروج از جلسه دقت و ملاحظه فرمایند که عده بقدر کافی باشد تا در لواجیح و کارهای جاری تعویقی نشود.  
آقای امیر تیمور

**امیر تیمور** - بنده در این ماده عرضی ندارم.

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - چون در ماده اول تعطیل بود و بر حسب پیشنهاد آقای شریعت زاده که آقای وزیر مالیه و بنده قبول کردیم شد دوازدهم اسفند ۱۲۹۸ اینجاست چون از تاریخ تعطیل است اگر احراز میفرمایند این را هم مطابق همان بکنیم.

**وزیر مالیه** - البته صحیح است.

**رئیس** - آقای شریعت زاده.

**شریعت زاده** - بنده راجع به تبصره دوم این ماده نظری

دارم و يك چیز زائیدی است زیرا بر طبق قوانین عمومی حکمی که از محاکم عمومی صادر شده است اگر محکوم به آن نقدی باشد و محکوم علیه نپردازد باید بعنوان تأخیر تادیه خسارت بدهد این است که اینجا ضرورتی ندارد **وزیر مالیه** - آنچه که بنده فهمیدم منظور آقا این است اینکه اینجا نوشته شده است ضامن و مضمون عنه محکوم بامضای خود هستند البته ضامن و مضمون عنه بموجب قوانین عمومی هر حکمی که صادر شد اگر محکوم علیه محکوم به را نپردازد ملزم است بتادیه چون فرمودند يك چیز زائیدی است عرض کردم.

**مخبر** - صحیح میفرمایند مطابق قوانین عمومی همینطور است از روزی که حکم صادر شد و مدیون نپرداخت البته باید خسارت تأخیر تادیه را بپردازد اما اینجا تذکرش برای يك موضوع بود و آن این بود که در آخر ملاحظه فرمایند نوشته قراردادی راجع بپرداخت ننماید ممکن است تادیه بکند و ممکن است يك قراردادی بکند با بانک که تا ششماه دیگر پنجماه دیگر متدرجاً بپردازد و تا آنروز این فرسخ صدی دوازده را بدهد یعنی تا روزی که تادیه نشده است از این جهت تکرار شده است لکن يك توضیحی است و ضرری ندارد.

**رئیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - عرض میکنم بنده نظرم در این بود که اولاً راجع به مدت که تا آخر تیرماه ۱۳۱۲ است این يك مدت کمی است عقیده بنده این است که در این مدت نمیتواند بپردازد. نپردازی تا آخر - پس بنده عقیده ام این است که این مشکل است که هیچکس نمیتواند برود با این وضعیت اقتصادی و هم نظری که دارند استفاده کنند از این چیز نمیتوانند استفاده کنند هیچکس امروز نمیتواند عرض کردم وضعیت ما با اینکه نسبت بخوبی ما از حیث اقتصادیات بهتر است ولی با این وضعیتی

که بحران عمومی تمام دنیا را فرا گرفته است طوری است که اگر کسی نیت خالص هم داشته باشد که برود پول تهیه کند نمیتواند برایش ممکن نیست در اینصورت اولاً مدت کم است و ثانیاً این جمله بپردازند لا اقل نباشد تنها نپردازند یا يك کاری که قانع کند بانک را نکنند آنوقت اینطور شود يك وقت هست که خود بانک هم میداند که طرف نمیتواند بدهد اگر حاضر شد يك قسمتش را پرداخت و يك قسمتش را هم وثیقه داد که اسباب اطمینان باشد البته بهتر است در اینصورت بنده تصور میکنم باید این جمله را اضافه فرمایند بعد از نپرداختن (و یا حاضر نشود با بانک يك ترتیب قانع کنند بدهند) و در مدت هم اگر موافقت فرمایند بیشتر باشد یعنی تا آخر مهر ۱۳۱۲ بهتر است و بیشتر مورد پیدامیکنند.

**وزیر مالیه** - راجع به مهلت زیادی تصور نمیکنم که بیش از این موردی داشته باشد یعنی ابتداء چنانکه آقایان مسبقاً تا آخر سال جاری نوشته شده بود و در کبسیون هم آنچه که لازم بود بحث شد سه ماه چهارماه کافی بود ولی در موضوع دیگر مطلب البته منطقی است و بنده عرضی ندارم چون در خود قانون هم هست که با تقاضای بانک اگر کسی رفت و با بانک قراردادی گذاشت بانک هم قانع شد بتراضی طرفین دیگر بانک تقاضا نمیکند ولی اگر بخواهید يك کلمه اضافه کنید که صریح باشد لازم نیست وقتی که بانک راضی شد که دیگر او را مجبور نمیکند که حتماً بگیرد قانون هم همینطور میگوید که اگر تصفیه و تادیه نمایند یا قرار قاطعی بتراضی طرفین ندهند (مؤید احمدی - در تبصره هست) تبصره مال حکم است بعد از صدور حکم

**رئیس** - آقای افسر

**افسر** - این تصمیمی که گرفته ایم برای ارفاق این مطلب را هم باید در نظر گرفت مثلاً آنچه بنده میدانم در نظر دارند بانک فلاحتی درست کنند این يك کار مهمتری است اگر يك عده شتاب کنند در اداء قرضشان

بعد از ۱۴ سال ۱۵ سال و يك منافع مهمتری ما برسانیم یعنی بانک فلاحتی باشد بطوری که شنیده ام و در نظر دارند البته خیلی برای اقتصادیات بهتر است یا يك کارهای دیگری شود که آبادانی در مملکت پیدا شود بهتر است تا آنکه خواسته باشند قرضشان سه ماه تأخیر شود و بعد هم اگر راضی شدند. آقای وزیر مالیه هم اظهار داشتند خوب ختم میشود با قرارداد اگر مقصود از استمهال این بوده است که هی قرارداد بدهند و پول ندهند این فایده اش چیست این نتیجه ندارد در قانون گذاشتن بفر از اینکه اگر در قانون بگذاریم همه در خیال این خواهند بود که اگر يك عده امسال هزار تومان قرضشان است متصل بروند و تکرار کنند و بالاخره اگر هم بشود دو هزار تومان باز مهلت بگیرند بالاخره آقایان این بدر بانک و بدرد مملکت نخواهد خورد هی مهلت بگیرند سیزده سال چهارده سال و بالاخره چی میشود؟ حالا اگر مجلس رأی داد که به بخشند بهشان بنده هم عرضی ندارم ولی اگر این نظر را ندارند که به بخشند و میخواهند وصول کنند و بمنافع و کارهای مهمی دیگر بزنند بالاخره باید روزی گرفته شود اگر در قانون بنویسند گمان نمیکنم از چند نفر بکنفر حاضر شود پول بدهد این يك قرض سنگینی است و هر روز سنگین تر خواهد شد و مشکل تر خواهد شد و هر چه این مطلب زودتر تصفیه شود بهتر است پانزده سال است شانزده سال است مانده است آنها نیکه ندارند ندهند که خوب فایده ندارد چنانکه الان خیلی از مدیونین بانک معسرند و ندارند بدهند ولی آنها نیکه میتوانند بدهند این ارفاق درباره آنها شده است اما در قسمت تبصره بعقیده بنده لفظ فرع که قانون دارد که خسارت تأخیر تادیه این است که بنده پیشنهاد کردم که صدی ۱۲ بعنوان خسارت تأخیر تادیه

**مخبر** - بسیار خوب میپذیریم.

**رئیس** - آقای جمشیدی فرمایشی دارید؟

**جمشیدی** - بنده میخواستم راجع بان فرمایشی که

آقای شریعت زاده فرمودند عرض کنم که وجود این



تبصره از لحاظ اینکه محاکات وزارت مالیه اشکال نکنند که این قانون عمومی است و مربوط به محاکات وزارت مالیه نیست بنا بر این قیدش بهتر است

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای افسر

بنده پیشنهاد میکنم در عوض ربح صدی ۱۲ نوشته شود صدی دوازده بعنوان خسارت تأخیر تأدیه

وزیر مالیه - عیب ندارد قبول میکنم

مخبر - بنده هم قبول میکنم

پیشنهاد آقای طهرانچی

پیشنهاد میکنم در قسمت هر يك از مذبونین بانك ایران بعد از کلامه نپرداخته اضافه شود (با ترتیبی برای پرداخت برضایت بانك بدهند و مدت هم تا مهر ۱۳۱۲ نوشته شود)

طهرانچی - در این فرمایششان فرمودند قبول میفرمایند قسمت مدت را که در این جا استدعا کردم تا مهر ۱۳۱۲ امتداد داده شود حالا که نظر ارفاق است باید طوری باشد که بتوانند انجام بدهند نظر این نیست که نتوانند انجام بدهند برای اینکه بانك قهراً بدون پرداخت يك وجه نقدی حاضر نخواهد شد بنا بر این هیچ ضرری ندارد که این سه ماه هم يك مهلتی باشد که بهتر نتوانند انجام بدهند و حتماً هم ما نمیکوئیم که تا آخر آمدت باشد البته در طرف اینمدت مقصود است اگر مرحمت بفرمایند قبول کنند خوب است که مردم هم بتوانند بدهند و وسائل پرداخت را فراهم کنند

وزیر مالیه - چون پیشنهاد آقای طهرانچی دو قسمت دارد و با یکی از آن بنده نمیتوانم موافقت کنم و با آن دیگری هم عرض کردم که با مضمونش موافقت دارم و يك عبارتی هم خودم تقدیم کردم که بآن مضمون است بطور روشن تر و لهذا تمنی دارم که اگر بخواهند موافقت شود همان قسمت اولش را بگذارند قبول شود و قسمت دوم را استرداد بفرمایند

و تقاضای تصویب آنرا مینماید:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از مراتع و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون است هر مقدار را که مقتضی بداند بخوانین و افراد طوایف مزبوره واگذار نماید شرایط و ترتیبات واگذاری از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد

رئیس - فوریت مطرح است. مخالفی نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانیکه با فوریت لایحه موافقت دارند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است. مخالفی نیست؟ (خیر) آقایانی که با فوریت دوم موافقت دارند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است  
آقای افسر

افسر - موافقم بعد از يك مخالف

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده گمان میکنم که کسی از آقایان در مجلس نباشد که با این لایحه مخالف باشد و البته این یکی از قدمهای بر حسته و یکی از تصمیمات خوب دولت است ولی چیزی که هست اینجا این است که اگر مقتضی بدانند بخوانین و افراد طوایف بدهند بنظر بنده باید خیلی صریح و روشن باشد که کوچکترین اشکال بعد ها پیدا نشود که اگر به ملکیت قطعی آنها واگذار شود باید نوشته شود و علاوه اینجا میگوید شرایط و ترتیب واگذاری از طرف وزارت مالیه تعیین خواهد شد این را در عمل بهش برخوردیم يك قانونی که سابقاً گذشته بود ما در عمل دچار اشکال شدیم که چه جز باید واگذار کنیم با چه شرایطی و بچه ترتیب و در مقابل دولت چه اشکالاتی دارد البته لازم بود اینها بهتر پیش بینی شود و نشده و بنظر بنده بایستی نظامنامه تهیه شود برای اینکار و نظامنامه را وزارت مالیه تنظیم کند و هیئت وزراء

تصویب کنند که این هم يك چیز قطعی شود که اشکال برای بعدها نشود یعنی نتوانند مأمورین در آن يك تصرفاتی بکنند و يك تغییراتی بدهند بنظر بنده باید این در مرکز تهیه شود و بدست مأمورین داده شود.

رئیس - آقای افسر

افسر - اگر چه مقدمات مذاکره آقای اعتبار موافقت بود و تا آخر مطلب بنده ملتفت نشدم مخالفی داشته باشند ولی چون بعد از اینکه بنده اظهار موافقت میکنم ایشان فرمایشاتی میفرمایند معلوم میشود که مخالف بودند (اعتبار بنده مخالف نبودم) لهذا عرض میکنم که اینها چیزهایی نیست که ما بتوانیم جزئیاتش را در نظر بگیریم و خیال میکنم بهمان حل قضا می شود وقتی که دولت در عمل وارد میشود بمشکل بر میخورد همانطرز که فرمودند یکی از آرزوهای عموم یعنی کسانی که حساس هستند و میل دارند مملکت از دست يك قسمت از ایلات و از يك قسمت از ایلات که بواسطه عدم علاقه باین آب و خاک خاک نشین بشوند و علاقه مند بشوند که از قدیم الایام هم در مواقع مختلفه تاریخی می بینیم که اغلب اغتشاشاتی که ایلات میکردند برای این بود که مجلسان را عوض میکردند منتهی باینطور منظم که امروزه دولت در نظر دارد و معمول میدارد هیچوقت نبوده است منتهی آنوقت میگفتند و حکم میکردند از این جا بروند بجای دیگر بدون اینکه فکر کنند که آنها که از این جا میروند علاقه شان چه می شود یا آنجائی که میروند آیا علاقه پیدا میکند یا خیر این بود که بعد از چندسال باز بر میگشتند بجای خودشان و این ترتیبی که در این چند سال شده است بهترین ترتیبات است مخصوصاً این ترتیبی که نسبت به سیستان و اینجاها شده است و خیلی خوب هم پیشرفت کرده آقایان نمایندگان خراسان خوب مستحضرنند (صحیح است) باندازه اطمینان پیدا کردیم به علاقه مندی به آنجا که ملاحظه خواهید فرمود چهار سال دیگر چقدرشان ترقی خواهند کرد و این قسمت مغان و شاهسون هم یکی از آن کارهای بسیار خوب بود و جنگها و حرکات قبایل شاهسون را میدیدیم و حالا



آن قسمت‌ها نیست و واقعاً از آن‌ها راضی هستیم و در این عهد همایون ندیده‌ایم يك حرکتی بکنند که برخلاف رویه باشد و البته اگر يك آب و خاکمی داشته باشند یقین است مثل سایر رعایا آنها هم در آبادانی خواهند کوشید و امیدواریم در سایر نقاط دیگر هم که ایلات هستند و دولت هم توجه دارد همین کار انجام شود و بعقیده بنده اختیار جزئیاتش را باید دست دولت داد و ما هیچ وقت نمی‌توانیم جزئیاتش را بنویسیم و همینطور در اختیار خودشان باشد بهتر است و بنده موافقم (جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادی آقای امیر تیمور کرده اند

دشمنی - هنوز کسی صحبت نکرده است

رئیس - میل دارید صحبت کنید آقای

چند نفر از نمایندگان - مذاکرات کافی است

پیشنهاد آقای امیر تیمور:

ماده واحده را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است مراعات و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقر طوایف شاهسون است بعنوان مالکیت بخوانین و افراد طوایف مزبوره واگذار نماید و شرایط و ترتیب واگذاری از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد

رئیس - آقای کلای

امیر تیمور کلای - همان طور که از طرف آقایان مذاکره شد یکی از لواجیح خیلی مفیدی که دولت تقدیم کرده همین لایحه است و این پیشنهاد بنده هم با ماده واحده هیچ تفاوتی ندارد جز اینکه بنده پیشنهاد کرده‌ام که بعنوان مالکیت واگذار شود زیرا منظور دولت هم از تقدیم این لایحه تشویق ایلات است به انس زراعتی و فلاحتی و البته وقتیکه مالك باشند بهتر تشویق می‌شوند و بهتر کار میکنند با آقای وزیر مالیه هم مذاکره کردم ایشان هم موافق شدند و امیدوارم که مجلس هم موافقت کنند

وزیر مالیه - بنده از اول تا آخر این پیشنهاد و عبارت آن را که مطالعه کردم اینطور فهمیدم که منظور آقای امیر تیمور این بود که همان عبارتی که در

نمیدانم آقای افسر چه جوری تلقی کردند که بنده را تصور کردند مخالفم و حال آنکه بنده مخالف نبودم بنده اصلاح عبارتی داشتم در هر صورت این جا بنظر بنده برای اینکار قطعاً يك نظامنامه لازم است و این نظامنامه هم اگر بتصویب هیئت دولت برسد البته بهتر و مفیدتر خواهد بود زیرا وزارت مالیه امروز يك شرایطی را قائل است دستور میدهد آن شرایط را و ممکن است فردا قابل تغییر باشد و خود این موجب تزلزل و اشکال خواهد بود بنظر بنده يك نظامنامه برای اینکار لازم است که حالا در سیستان و بعضی جاها این معمول میشود این منظور دولت نسبت بهمه جا رعایت شود و خیلی خوب نظری است.

رئیس - آقای دشمنی

دشمنی - بنده با نظامنامه که در هیئت وزراء نوشته شده مخالفم. عرض کنم که اساساً بنده با داشتن خالصه دولت مخالفم و معتقدم که دولت هر اندازه خالصه مال خودش را بمردم بلاعوض واگذار نماید بمنفعت خودش و مملکت است برای اینکه خراب ترین املاک مملکت املاک خالصه است بنده میخواهم عرض کنم که در سیستان چه میکنند در سیستان دو سال قبل که اعلیحضرت همایونی تشریف فرما شدند امر فرمودند کمیسیون معین شد مرکب از آقایان وزیر جنگ و والی خراسان و رئیس قشون برای اینکه يك مطالعه بکنند در واگذاری خالصجات سیستان برعابا اوضاع سیستان را هم البته آقایان مستحضرنند که اراضی خیلی خوب دارد آب فراوان دارد ولی بواسطه خالصه بودن و افتادن آنها بدست امانه و مأمورین مالیه محل تمام آنها خراب شده. در دو سال قبل تصمیم گرفتند که وزارت مالیه این کار را بکند بنده شخصاً اطلاعی ندارم که چه کرده اند بنده پارسال که از مازندران می‌آمدم رئیس مالیه را در فیروز کوه دیدم مذاکره کردم دیدم يك فرمالیته هائی از همین فرمالیته های خیلی خنک و بی مزه که در بین مأمورین معمول است از این حرفها میزد که حقیقه آثار یأس کاملاً پیدا بود که هیچ عملی نخواهد شد بنده میخواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که در اینموضوع تا بحال چه اقدامی کرده اند یکی راجع باین

بود و دیگر راجع باراضی خوزستان بود در پنج شش سال قبل بلکه هفت سال قبل دولت تصمیم گرفت که اراضی لم بزرع و خالصه خراب که اطراف رود کارون است واگذار کند بمردم باین شرط که آنها هم ماشین بیسورند و آن اراضی را مزروع بکنند يك علت عمده پیشرفت نکردن اینکار این بود که مردم کاملاً امیدوار نبودند یعنی معتقد نبودند باینکه این اراضی مال آنها باشد. این بود که میخواستم سؤال کنم که در این قسمت توضیحی بدهند و اضافه کردن کلمه مجانی بنظر بنده معنی ندارد يك چیزی را که بملکیت بيك کسی میدهند این معلوم میشود که میدهند مال او باشد خالصه را بملکیت دیگری میدهند یعنی مجانی میدهند. برای اینکه در لایحه که نوشته نشده بفرشند و اما نظامنامه نظامنامه را که دولت بنویسد خیلی بداست اینها را باید بنظر حاکم محل و رئیس قشون و رؤسای مالیه محل واگذار کنند که مطابق مقتضیات محلی مابین مردم تقسیم کنند. اگر اینجا نخواهند نظامنامه را درست بکنند آنها را در يك کادر خشک بی معنی قرار میدهند و در آنجا موقع تقسیم و توزیع دچار اشکال خواهند شد

وزیر مالیه - چون ممکن است پیشنهادات دیگری هم آقایان بدهند این است که بنده توضیحی عرض میکنم چون لایحه بنظر بنده خیلی سهل و ساده است فقط اینجا يك شبهه برای بعضی آقایان بود که واگذار کنند شاید مجانی نباشد لهذا میخواهم عرض کنم که اگر باین ترتیب منظور همه آقایان تامین می‌شود البته مینویسیم بملکیت و بلاعوض واگذار کنیم (نمایندگان - صحیح است) یکی از آقایان هم يك تردیدی فرمودند که مقصود مراعات مقر طوایف شاهسون است باینکه ولایات آذربایجان این معلوم است که مقصود همان ولایاتی است که مقر ایلات است. و اگر تردیدی هم بود گمان میکنم باین توضیح بنده رفع شود. اما راجع به نظامنامه تصور میکنم این ترتیبی که اینجا نوشته شده بهترین طریق است برای اینکه این را هم خود وزارت مالیه در اینجا نگذاشته که وزارت مالیه این کار را بکند خود دولت رهیت وزراء همچو صلاح دانستند





که وزارت مالیه بتوسید برای اینکه خود هیئت دولت مشاغل زیاد دارد و نظامنامه را ماده بماده خواندن مشکل است غالباً در این موارد وزارت مالیه مطالباتی میکند و البته در بعضی موارد هم نظریاتی اظهار میشود ولی غالباً باید در اداره مربوطه خودش درست شود و اینهم بستند بیک حکمتی و صلاحی است چون اینجا نوشته شده است که شرایط و ترتیبات واگذار شود برای اینکه امر بطور کلی در لرستان و شاهسون و جاهائیکه آقای دشتی فرمودند این بک امر سیاسی است برای مملکت و باید مبنی بر حکمت باشد و این باید بیک ترتیب معینی باشد و جزئیاتش و شرایطش دقت شود. بافرااد برسد یا نرسد یا چه جور آباد کنند بدون آبادی که نمیشود همبگذرد مالک باشد و حصار بکشد دور آن که نمیشود آنوقت می شود مثل سابق البته مقصود آبادی است. اما راجع بجاهای دیگر البته ارتباطش غیر مستقیم است با این موضوع و خود آقایان ملاحظه میفرمایند که این لواحق از طرف دولت می آید بمجلس هیئت دولت در نظر دارد بتدریج آنجاها تیکه باید تخت قاپو شود عمران شود مردم صاحب ملک شوند با آب مجاناً داده شود ولی البته این مسئله کلی اساسی که اصلاً دولت هیچ ملکینی نداشته باشد و املاک خودش را مجاناً بمرده بدهد آن بک موضوع دیگری است بنده نمیخواهم در آن بحث کنم چرا بملاکین عمده ندهد که پولش را بگیرد در همه جا که نباید مجاناً دولت املاکش را تقسیم کند چرا؟ مسئله سیستان را برای آقایان باید عرض کنم که یکی از بهترین نمونه هائی است که در ایران واقع شده است و تا آنجا تیکه بنده اطلاع دارم عرض میکنم بسیار خوب شده است و امیدوارم نتیجه اش موفقیت

بخش و رضایت بخش باشد مثلاً آنجا بطور کلی ترتیب دیگری است آنجا مسئله مالکی هم نبود خود دولت هم امانی عمل نمیکرد و بک طبقه پیدا شده بودند باسم مستاجر و این مستاجرین مثل این شده بودند که مالک دیگری بودند که داخل املاک دولت خیلی بدتر از مالک خصوصی عمل میکردند و آنچه رعیت اندوخته بود میبردند و بانها چیزی نمیدادند و همه را خودشان میبردند ولی حالا ترتیب معینی با قساطر و بانداره زراعتش داده شده است و حصه آب داده شده است و قانونش را هم البته به مجلس می آوریم که بمملکت قطعی واگذار کنیم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - باید تکلیف پیشنهادها معلوم بشود

دشتی - آقای وزیر مالیه که پیشنهاد کردند بلاعوض داده شود.

رئیس - بک قسمت هم آقای دیبا پیشنهاد کرده اند راجع بنظامنامه و غیره

اعتبار - بنده پس میگیرم.

رئیس - بکی دیگر هم آقای فهیمی پیشنهاد کرده اند تصویب هیئت وزراء

بعضی از نمایندگان - پس گرفتند

رئیس - پس تنها ماند همان اصلاحی که خود آقای وزیر مالیه فرمودند آقایانیکه باماده واحده با اصلاحی که متفق علیه شد موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد.

(اخذ و شماره آراء بعمل آمد ۸۷ ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رأی ۸۸ با کثرت ۸۷ رأی تصویب شد

- اعضای اسامی رأی دهندگان - آقایان: دکتر طهری - طهرانی - بهبهانی - اردکانی - طهرانی - شریفی - اقبال - ناصری عراقی - محمد تقی خان اسعد - لیتوانی - اسدی - دکتر احتشام - امیر ابراهیمی - دشتی - روحی - امیر تیمور - دبیر سهرابی - مرید احمدی فروزی - نجف فرهمند - ابوالحسن خان بیرنیا - شریعت زاده - مسدوق شاهای - رضا فیضان باستانی - حکمت - اسکندری - بیات ماکر معتمدی - کفائی - مهدوی - طباطبائی دینا - تربیت - مجد ضیائی - رهبری - امیر درونشاهی - مزدهی - آصف - فتوحی - فرشی - جمشیدی - همراز - ملک زاده آملی - دکتر سنگ - حبیبی - مفتی - طالش خان - میرزا اسد الله قنیه - افسر - قزاقلو - مقدم - افخمی - میرزا یانس - امیر حبیبخان بختیاری - رهاب زاده - دکتر ضیائی - سهر ایقان ساکنان - میرزا محمد حسین نواب - سید کاظم یزدی - امیر عسری - دبستانی کرمانی - دکتر ملک زاده - حاج محمد رضا بهبهانی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - دکتر سنک - حاج میرزا حبیبخان قزاقی - خواجهی - حبیبعلی خان نواب - دکتر سمعی - دادور - محیط - مسعودی - دکتر امیراعلم - کاررونی - لاریجانی - هزارجریبی - دکتر شیخ دهستانی - حبیبی - دکتر سید محمد تقی طباطبائی - محمد علی میرزا دولتشاهی - معتمد سنگ - مولوی - تاج الاسلامی

۵- شور و تصویب لایحه اصلاح قسمتی از بودجه مؤسسه دولتی انحصار دخانیات

رئیس - بک کار کوچکی هم داریم که بیش از پنج دقیقه وقت لازم ندارد بدمه مواقع جلسات تعیین میکنیم خبر کمیسیون بودجه راجع بودجه اداره دخانیات کمیسیون بودجه با حضور نماینده وزارت مالیه لایحه نمره ۲۹۹۵۴ دولت راجع به اصلاح بودجه ۱۳۱۱ اداره انحصار دخانیات را مطرح و تحت شور قرار داده با توضیحاتی که نماینده دولت دادند کمیسیون با عین ماده واحده پیشنهادی موافقت و علیهذا خبر آن را بمرض مجلس مقدس می رساند

رئیس - عین ماده واحده دولت که پیشنهاد شده است بحذف ارقام خدمت آقایان هست فرائض مشکل است.

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰) از مواد بودجه ۱۳۱۱ انحصار دولتی دخانیات بشرح ذیل و نیز وزارت مالیه مجاز است مبلغ هشت هزار و یکصد و بیست ریال (۸۱۲۰) ریال حقوق معوقه سال ۱۳۰۷، ۱۳۰۸ (از تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۰۷ لغایت ۶ فروردین ۱۳۰۸) آقای موسس خان رئیس سابق مؤسسه انحصار دخانیات را از محل فقره دوم - مخارج غیر ثابت ماده (۱) اعتبار معوقه منظوره در بودجه ۱۳۱۱ انحصار دخانیات بردارد.

رئیس - آقای اعتبار - بنده میخواستم این جا توضیح داده شود که محل حقوق ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ رئیس دخانیات چه شده در بودجه بنده نگاه میکردم داشته و تصویب هم شده و همینطور اعتبار دیون معوقه دخانیات در بودجه مبالغی منظور شده است و بملاوه وزارت مالیه تاپک سنه را معین کرده بود که در بودجه خودشان پیش بینی بکنند دیون اشخاص را گمان میکنم مال سیصد و هفت بود بک سنه را معین کرده بود که از آن محل دیون استفاده کنند موسس خان هم یکی از آنها است و می تواند از آن مقررات استفاده کند علت این که ما میخواهیم تنها برای ایشان بک قانونی بگذرانیم

چیت و حال آنکه سایر مستخدمین هم هستند که آنها هم طب دارند و شاید استحقاقشان هم از ایشان بیشتر باشد و بملاوه در دخانیات هم محل داشته است محل برای پرداخت بوده است و علت اینکه پرداخت نشده و ایشان طلبکار مانده اند چه بوده است اینها را توضیح بدهند که معلوم شود.

وزیر مالیه - آقای اعتبار درست توجه نفرمودند بک ترتیبی داریم بطور متحد المال تا ۱۳۰۵ آنهایی که از هر وزارتخانه طلب دارند مثل اینکه از دولت طلب دارند مطالبات دولت است و اینطور معمول شده بود هم از وزارتخانه طلب داشت میگفتند از وزارت مالیه طلب داریم از ما چه طلبی داری از آن وزارتخانه طلب داری ما که داده ایم از آن وزارتخانه یا اداره طلب داری آنوقت اگر آن وزارتخانه تا پنج سال نداد بشود جزو دیون دولت و برای آن هم سهمی در بودجه مملکت میگذاریم امسال شصت هزار تومان گذاشته شد این صرف می شود برای آن مطالبات یعنی البته اولش از وزارتخانه طلب داشته ولی ما بطور کلی طلب از وزارتخانه را قبل از ۱۳۰۵ جزو مطالبات دولت کردیم و از آن به بعد هر سالش را گفتیم از هر وزارتخانه که طلب دارند آن وزارتخانه در بودجه اش بگذارد تمام وزارتخانه تمام ادارات گمرک - دخانیات همه گذاشتند یعنی بابت دیون معوقه بک مبلغی گذاشتند که از سال ۱۳۰۶ با بنظر طرف دارند می توانند بدهند ولی ممکن است بک تلت یا بک ربع یا بک خمس کم داشته باشند از بابت دیون معوقه شان این قسمت هم همینطور است و بک مبلغی کسر داشتند و این مطلب از این جا ناشی شده است که رئیس سابق دخانیات بک مبلغی طلب داشته طلبش هم از این بابت بوده که در آن سال مسافرتی کرده و برگشته بود و بعد باو گفته بودند مشغول کار بشود و او هم تمام وقت را کار میکرد ولی حکم خدمتش را صادر نکرده اند این بوده است که با اصطلاح معروف سرش بی کلاه مانده است کار کرده است مشغول کار بوده است حقوقش بهش نرسیده کار کرده و همان طور بتعویق افتاده است این است که این طلب را داشته است و این هم در خود بودجه مبلغ اعتبارش بوده این



را میخواهیم باو بدهیم  
**رئیس** - حالا که مخالفی نیست رأی میگیریم  
 باورقه آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد  
 (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده و ۶۲ ورقه سفید تعداد شد)  
**رئیس** - عده حضار در موقع اعلام رأی ۸۸ با اکثریت  
 ۶۲ رأی تصویب شد \*  
**رئیس** - ما امروز در آخر ماه شعبان قرار  
 گرفته ایم برای ماه رمضان دو نظر اظهار شده است  
 جماعتی از آقایان پیشنهاد کرده اند که یکساعت بعد از  
 ظهر جلسه بشود و جماعتی عقیده دارند کمافی السابق  
 شبها تشکیل جلسه شود  
 (همه نمایندگان - خیر ما مخالفیم همان شب باشد  
 (زنگ رئیس - دعوت بسکون)  
**رئیس** - آقای دهستانی شما از امضاء کنندگان  
 هستید فرمائید  
**دهستانی** - بنده اصراری ندارم بسته بنظر آقایان است  
**رئیس** - آقای ناصری فرمائید  
**ناصری** - بنده نظر به اینکه فصل زمستان است

و ممکن است در آخر شب بواسطه تصرف هوا مریض  
 بشویم این پیشنهاد را کردم که عصرها جلسه باشد  
 (همه نمایندگان)  
 جمعی از نمایندگان - شب بهتر است  
**رئیس** - آقای مؤید احمدی  
**مؤید احمدی** - تنها دلیلی که آقای ناصری ذکر  
 کردند سردی هوا بود و بنده عقیده ام این است که  
 آقایان سردی هوا را تحمل میکنند (صحیح است)  
 و خوب است مثل سابق جلسات رمضان در شب باشد  
 (صحیح است - صحیح است)  
**رئیس** - آقایانی که موافقتند جلسه شب باشد  
 قیام فرمائید (عده کثیری قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب شد در ماه رمضان جلسات شب  
 باشد (صحیح است) جلسه آتیه شنبه ۱۰ دیماه ساعت  
 هفت بعد از ظهر دستور لایحه اوزان و مقادیر وسایر  
 لوایح موجوده -  
 (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)  
**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

## قانون

راجع بفرع وجوه بدهی مدیونین بانک ایران  
 ماده اول - مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که راجع بفرع وجوه بدهی قراردادی با بانک استقراضی  
 سابق داشته اند بتقاضای بانک ایران باید مطابق قرارداد مزبور فرع مقرر را تا تاریخ ۱۲ اسفند ۱۲۹۸ به بانک ایران  
 پردازند مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که با بانک استقراضی قرارداد مخصوصی راجع نداشته اند بتقاضای  
 بانک باید فرع مبلغ بدهی را بشرح و ترتیب معمول بانک استقراضی سابق تا تاریخ ۱۲ اسفند ۱۲۹۸ بانک ایران  
 تأدیه نمایند  
 ماده دوم - هر يك از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که بدهی خود را بترتیب مذکور در ماده فوق  
 تا اول تیرماه ۱۳۱۲ با بانک ایران تصفیه و تأدیه نمایند و یا قرار قطعی با موافقت بانک برای تصفیه آن بدهند از  
 تاریخ اسفند ۱۲۹۸ تا زمان تأدیه فرع دیگری از آنها مطالبه نخواهد شد.  
 هر يك از مدیونین بانک ایران و قائم مقام آنها که تا اول تیر ماه ۱۳۱۲ بدهی خود را اصلاً و فرعاً بطوریکه  
 در ماده فوق مقرر است پردازند از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و در صورت عدم ابلاغ از تاریخ اقامه دعوی در محاکم  
 عدلیه یا محاکمات مالیه تا تاریخ صدور حکم بفرع مقرر در قرارداد و اگر قرارداد مخصوصی راجع بفرع نبوده  
 بفرع معمولی بانک محکوم خواهد شد.  
 تبصره ۱ - هر يك از بده کاران بانک ایران که تا ده روز پس از ابلاغ حکم بدهی خود را اصلاً و فرعاً  
 پردازد و یا با موافقت بانک قراردادی راجع به پرداخت منعقد نماید از تاریخ صدور حکم تا روز تأدیه (صدی  
 دوازده بعنوان خسارت تأخیر) بمحکوم به تعلق خواهد گرفت.  
 تبصره ۲ - مقصود از مدیونین مذکور در مواد فوق اعم از ضامن و مضمون عه و هر يك از امضاء کنندگان  
 دیگر اسناد بانک است  
 این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه هفتم دی ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس  
 شورای ملی رسید  
**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

## قانون

اجازه واگذاری مراتع و اراضی دولتی واقع در آذربایجان بخوانین و افراد شاهشون  
 ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است از مراتع و اراضی دولتی در ولایات آذربایجان که مقرر طوایف  
 شاهشون است هر مقدار را که مقتضی بداند بخوانین و افراد طوایف مزبوره بلاعوض به ملکیت واگذار نماید  
 شرایط و ترتیبات واگذاری از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد.  
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هفتم دی ماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی بتصویب مجلس  
 شورای ملی رسید  
**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر

## قانون

اصلاح بودجه ۱۳۱۱ انحصاری دولتی دخانیات  
 ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است معادل یکصد هزار ریال (۱۰۰۰۰۰۰) از مواد بودجه ۱۳۱۱ انحصار  
 دولتی دخانیات بشرح ذیل :

آقایان : شریعت زاده - میرزا محمد حسین نواب - امیر ابراهیمی - لقاوی - طالش خان - ابوالحسنخان بیرونیا  
 امیر دولتشاهی - دبستانی کرمانی - سید کاظم یزدی - امیر عامری - دکتر ملک زاده - خواجوی - بیات ماسکو - معتضدی -  
 میرزا محمد علیخان تربیت - کفائی - زدهی - مجد ضیائی - میرزا بانس - رهبری - مفتی - سهرانخان ساکنان - امیر حسین خان  
 بختیاری - بوشهری - ملک زاده آملی - فتوحی - حبیبی - میرزا اسدالله قبه - دبیر سهرابی - مؤید احمدی - مجیر فرهمند - ناصری - فهیمی  
 مقدم - دکتر سبعمی - حسین قلیخان نواب - دادور - مسعودی - دکتر احتشام - دکتر امیر اعلم - حسنعلی میرزا دولتشاهی - آخوند  
 یار علی - لاریجانی - محیط - دهستانی - حدادی - دکتر شیخ - شریفی - عراقی - اقبال - فتحعلی خان بختیار - محمد تقی خان اسعد  
 معتمد سنک - محمد علی میرزا دولتشاهی - دکتر سنک - مولوی - وهاب زاده - طباطبائی دیبا - نقه الاسلامی - طاهری - انسر - کازرونی - اسدی



شرح مواد	اصل اعتبار ریال	میلانی که کسر میشود ریال	باقی اعتبار ریال
<u>از فصل اول</u>			
ماده (۱) - (قسمت اعتبار اضافه حقوق و ترفیعات)	۱۰۵۲۸۸۰	۲۵۰۰	۱۰۵۱۳۸۰
« (۲) - (قسمت اعتبار اضافه حقوق)	۱۱۵۴۲۰۰	۲۵۰۰	۱۱۵۱۷۰۰
« (۳) - (حقوق و مخارج مستخدمین خارجی)	۵۵۰۰۰	۵۵۰۰۰	—
« (۴) - (حق الکفاله و حقوق مرخصی و غیره)	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰
« (۷) - (اعتبار خسارت مالی و جانی مستخدمین)	۲۰۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰
« (۹) - (اعتبار مساعدت مستخدمین بی بضاعت)	۳۸۸۰	۲۰۰۰	۱۸۸۰
<u>از فصل دوم</u>			
ماده (۱۲) مطبوعات	۵۲۵۰۰	۲۰۰۰۰	۳۲۵۰۰
« (۲۱) - مخارجی که در سایر مواد منظور نشده	۲۸۲۴۰	۵۰۰۰	۲۳۲۴۰
« (۲۳) - مخارج کشف قاچاق	۱۰۰۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
<u>از فصل سوم</u>			
« (۳۲) - حقوق و مخارج مامورینکه بجاگام دعوت میشوند	۵۰۰۰	۳۰۰۰	۲۰۰۰
<u>از فقره دوم - مخارج غیر ثابت</u>			
ماده (۱) - اعتبار دیون معوقه	۱۰۰۰۰	۱۰۰۰	۹۰۰۰
موضوع نموده معادل آن بمواد دیگر همین بودجه بشرح ذیل اضافه نماید:	جمع کسور	۱۰۰۰۰۰	
بماده (۱۰) - اعتبار ترمیم مواد از ۱ الی ۹	۴۷۰۰۰	۵۰۰۰۰	۹۷۰۰۰
بماده (۲۴) - اعتبار ترمیم مواد از ۱۱ الی ۲۳	۶۷۳۰۰۰	۵۰۰۰۰	۱۱۷۳۰۰۰
	جمع اضافه	۱۰۰۰۰۰	

و نیز وزارت مالیه مجاز است مبلغ هشت هزار و یکصد و بیست ( ۸۱۲۰ ) ریال حقوق معوقه سال ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ ( از تاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۰۷ لغایت ۶ فروردین ۱۳۰۸ ) آقای موسس خان رئیس سابق مؤسسه انحصار دخانیات را از محل فقره دوم - مخارج غیر ثابت ماده (۱) اعتبار دیون معوقه منظوره در بودجه ۱۳۱۱ انحصار دخانیات بردارد.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه هفتم دیماه یکهزار و سیصد و یازده شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید.  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر